



نقش اقتصادی و فرهنگی زنان ایرانی در تاریخ نگاری باستانی پاریزی^۱

مریم ابوطالبی پاریزی،^{۲*} محمد خداوردی تاج‌آبادی،^۳ ابراهیم خراسانی پاریزی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱

چکیده

زنان در تاریخ ایران همواره نقش‌های متنوع و تأثیرگذاری داشته‌اند که در آثار محمد ابراهیم باستانی پاریزی به عنوان یکی از برجسته‌ترین تاریخ‌نگاران معاصر ایران، بازتاب یافته است. این مقاله با بررسی دیدگاه‌های باستانی پاریزی، نقش اقتصادی و فرهنگی زنان را در تاریخ‌نگاری او تحلیل می‌کند. باستانی پاریزی ضمن پرداختن به ویژگی‌های مثبت زنان از جمله فداکاری، شجاعت، قناعت، غیرت و نقش مدیریتی آنان، همچنین به ابعاد منفی نظیر لجاجت و کینه‌ورزی اشاره می‌نماید. مطالعه نشان می‌دهد که باستانی پاریزی زنان را نه صرفاً به عنوان سوژه‌های تاریخ‌نگاری بلکه به عنوان عوامل فعال در شکل‌گیری روندهای اقتصادی و فرهنگی جوامع ایرانی می‌بیند که با فداکاری و مدیریت دقیق، بستر پایداری و پیشرفت خانواده و اجتماع را فراهم کرده‌اند. این دیدگاه مکمل تاریخ مردانه است و به درک عمیق‌تری از جایگاه زنان در جامعه تاریخی ایران کمک می‌کند. استفاده از متون گسترده باستانی پاریزی و منابع تاریخی متعدد، زمینه‌ساز تبیین این نقش‌ها شده و نشان‌دهنده اهمیت زنان در بازسازی هویت فرهنگی و اجتماعی است. این پژوهش ضمن معرفی دیدگاه‌های خاص باستانی پاریزی، نقشی کلیدی زنان در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را برجسته ساخته و ضرورت توجه به زنان در مطالعات تاریخی را یادآور می‌شود.

واژه‌های کلیدی: زنان، اقتصاد خانواده، فرهنگ، تاریخ‌نگاری، باستانی پاریزی

۱- ابوطالبی پاریزی، مریم؛ خداوردی تاج‌آبادی، محمد؛ خراسانی پاریزی، ابراهیم (۱۴۰۴). نقش اقتصادی و فرهنگی زنان ایرانی در تاریخ‌نگاری

باستانی پاریزی، فصلنامه تحقیقات تاریخ ایران دوره اسلامی، سال دوم، شماره سوم، تهران: ص ۱۰۵-۱۲۱.

۲- دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران. (نویسنده مسئول): mparize@gmail.com

۳- استادیار گروه علوم سیاسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران. ایمیل: mohammad.khodaverditajabadi@iau.ac.ir

۴- استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران. e.khorasaniparizi@iau.ac.ir

مقدمه

نقش زنان در تاریخ نگاری همواره یکی از موضوعات مهم و پیچیده در مطالعات تاریخی بوده است. محمدابراهیم باستانی پاریزی، مورخ و پژوهشگر برجسته ایرانی، در آثار خود به صورت مستمر به نقش اقتصادی و فرهنگی زنان پرداخته و جایگاه آنان را در تحولات تاریخی ایران به ویژه در مناطق کویری و سنتی برجسته ساخته است (باستانی پاریزی، ۱۳۸۴: ۱۰۵). وی زنان را به عنوان مظهر فداکاری، شجاعت، قناعت و آینده نگری معرفی کرده و معتقد است که شرایط اقلیمی و جبر اقتصادی کویر، زنان را به نیروی محرکه خانواده و جامعه تبدیل کرده است (باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۲۶۰). همچنین باستانی پاریزی ضمن بیان ویژگی های مثبت زنان، به ویژگی های منفی آنان مانند لجباجت و کینه توزی نیز اشاره کرده است که نشان دهنده نگاه واقع بینانه وی به نقش زنان در تاریخ است (باستانی پاریزی، ۱۳۸۵: ۴۲۰).

نقش زنان در عرصه های مختلف اقتصادی و فرهنگی، از خانه داری و کشاورزی تا فعالیت های اجتماعی و سیاسی، همواره در متون تاریخی مورد غفلت واقع شده است، اما باستانی پاریزی تلاش کرده است تا این نقش ها را برجسته کرده و به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از تاریخ ایران به تصویر بکشد (باستانی پاریزی، ۱۳۸۴: ۷۸). بررسی و تحلیل نگرش او به جایگاه زنان، فرصتی است برای شناخت دقیق تر سهم زنان در تاریخ و توسعه فرهنگی و اقتصادی جامعه ایرانی.

در این مقاله با استفاده از متون و آثار باستانی پاریزی، نقش زنان در تاریخ ایران به ویژه در زمینه های اقتصادی و فرهنگی به صورت مستند و علمی تحلیل می شود تا بتوان تصویری کامل تر و دقیق تر از این نقش تاریخی ارائه داد.

۱-۱- بیان مسئله

نقش زنان در تاریخ ایران، علی رغم اهمیت فراوان، همواره در تاریخ نگاری های رسمی کمتر مورد توجه قرار گرفته و اغلب به حاشیه رانده شده است. این کم توجهی، باعث شده تا بخش عمده ای از فعالیت ها و مشارکت های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زنان نادیده گرفته شود و تصویری ناقص از تاریخ ایران شکل گیرد (انصاف پور، ۱۳۴۶: ۲۵). محمدابراهیم باستانی پاریزی به عنوان یکی از مورخان برجسته معاصر، با نگاهی متفاوت به تاریخ زنان پرداخته و تلاش کرده است تا جایگاه زنان را به عنوان عناصر فعال و مؤثر در عرصه های مختلف اجتماعی و اقتصادی برجسته کند (باستانی پاریزی، ۱۳۸۴: ۱۰۵).

باستانی پاریزی زنان را نه تنها به عنوان مادر و همسر بلکه به عنوان نیرویی خلاق، فداکار و آینده نگر در بستر تاریخ می نگرد که در شرایط سخت اقلیمی و اقتصادی به ویژه در مناطق کویری، نقش حیاتی ایفا کرده اند (باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۲۶۰). وی بر ویژگی های متنوع زنان از جمله شجاعت، وفاداری، قناعت و آزادگی تأکید می کند که هر یک در جایگاه خود به تحولات تاریخی و فرهنگی جامعه ایران شکل بخشیده اند (باستانی پاریزی، ۱۳۸۸: ۲۴۵).

اما در عین حال، باستانی پاریزی خصلت‌های انسانی مانند لجاجت و کینه‌توزی را نیز در زنان می‌بیند که به توازن و واقع‌گرایی نگاه او به نقش زنان در تاریخ کمک می‌کند (باستانی پاریزی، ۱۳۸۵: ۴۲۰).

بیان دقیق و مستند نقش زنان در تاریخ ایران، به ویژه از منظر باستانی پاریزی، موجب می‌شود تا تصویر سنتی و تک‌بعدی از زنان تغییر کرده و جایگاه واقعی آنان در تحولات اقتصادی و فرهنگی بازشناسی شود. این موضوع به ویژه اهمیت دارد زیرا توجه به نقش زنان می‌تواند به شناخت بهتر از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی ایران در گذشته و حال منجر شود و سهم زنان را در ساختن جامعه ایرانی به رسمیت بشناسد (باستانی‌راد، ۱۳۸۳: ۳۲). از این رو، پژوهش حاضر به تحلیل جامع نقش اقتصادی و فرهنگی زنان در تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی می‌پردازد تا خلأهای موجود در مطالعات تاریخی زنان را تا حدی پر کند و زمینه‌ساز پژوهش‌های آینده باشد.

۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

این تحقیق اهمیت ویژه‌ای در بازخوانی و بازشناسی نقش زنان در تاریخ ایران دارد که معمولاً در متون تاریخی کمتر به آن پرداخته شده است. زنان به‌عنوان عوامل فعال در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، نقش کلیدی در حفظ و انتقال هویت و سنت‌های جوامع داشته‌اند. با تمرکز بر دیدگاه‌های محمدابراهیم باستانی پاریزی، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا تصویری جامع و واقعی‌تر از زنان در تاریخ‌نگاری ارائه دهد که فراتر از نگاه‌های کلیشه‌ای و محدود به نقش‌های منفعلانه است. اهمیت این مطالعه در آن است که نه تنها به ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی زنان توجه دارد، بلکه به تأثیرات اقتصادی و مشارکت فعال آنها در جامعه نیز می‌پردازد. این رویکرد باعث می‌شود تا جایگاه زنان در ساختار تاریخی و اجتماعی ایران به‌درستی بازشناخته شود و نقش آنها در شکل‌دهی به فرهنگ و اقتصاد به‌صورت مستند و علمی تبیین گردد. همچنین این پژوهش به تقویت مطالعات زنان و تاریخ اجتماعی ایران کمک کرده و زمینه‌های جدیدی برای تحقیقات آینده در این حوزه ایجاد می‌کند. در نهایت، بازنمایی درست نقش زنان، به اصلاح دیدگاه‌های رایج و ارتقای آگاهی عمومی درباره اهمیت مشارکت زنان در تاریخ کشور کمک می‌نماید.

۱-۳- پیشینه تحقیق

نقش زنان در تاریخ جوامع بشری و به‌ویژه در تاریخ ایران، موضوعی است که از دیرباز مورد توجه محققان و مورخان قرار گرفته است. باستانی پاریزی یکی از برجسته‌ترین تاریخ‌نگاران معاصر ایرانی است که با نگاه جامع و چندوجهی خود، به بررسی نقش اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زنان پرداخته و سعی کرده جایگاه زن را به درستی در متن تاریخ بازنمایی کند (باستانی پاریزی، ۱۳۸۴: ۱۰۵). او با تأکید بر ویژگی‌های خاص زنان کویری، مانند قناعت، فداکاری، شجاعت زنانه و آزادگی، تصویری جامع از زنان جامعه ایرانی ارائه داده است که نه تنها محدود به یک اقلیم یا دوره تاریخی نیست بلکه شامل گستره وسیعی از فرهنگ‌ها و زمان‌ها می‌شود (باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۲۵۰-۲۶۰).

پیشینه مطالعات تاریخی درباره زنان در ایران نشان می‌دهد که بسیاری از پژوهش‌ها به نقش زن در خانواده و جامعه، حقوق اجتماعی و فرهنگی او، و نحوه تأثیرگذاری بر فرآیندهای تاریخی پرداخته‌اند (انصاف‌پور، ۱۳۴۶؛ توانا، ۱۳۸۰). اما کمتر توجه شده است به شیوه‌ای که زنان در تاریخ‌نگاری ایرانی بازتاب یافته‌اند، موضوعی که باستانی پاریزی در آثار خود به آن اهمیت ویژه داده است (باستانی‌راد، ۱۳۸۳). وی نه تنها زنان برجسته تاریخی را معرفی کرده بلکه به نقش زنان عادی، به‌ویژه زنان کویری و روستایی، در حفظ انسجام اجتماعی و اقتصادی خانواده و جامعه اشاره کرده است.

مطالعات معاصر درباره جایگاه زنان در تاریخ و فرهنگ ایران، به نقش آنان در تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی توجه داشته‌اند؛ به عنوان نمونه، بهروزی (۱۳۸۱) و حجازی (۱۳۷۰) به تأثیرگذاری زنان در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی پرداخته‌اند. همچنین پژوهشگران مانند آزاد (۱۳۸۰) و علوی (۱۳۷۷) نقش زنان را در شکل‌دهی به هویت فرهنگی ایرانی مورد بررسی قرار داده‌اند.

از سوی دیگر، برخی محققان به نقد و بررسی نگاه سنتی به زنان در تاریخ‌نگاری پرداخته‌اند و خواستار بازنگری در این حوزه شده‌اند (خیراندیش، ۱۳۸۲). آنان معتقدند که رویکردهای تاریخی غالب، اغلب نگاهی مردسالارانه به زنان داشته و ضرورت دارد تاریخ زنان به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر و فعال از تاریخ کلی جامعه مورد توجه و بازنویسی قرار گیرد (عزیزی، ۱۳۹۴).

بنابراین، مطالعه حاضر در بستر نظری و پیشینه تحقیقات موجود، تلاش می‌کند با تکیه بر آثار گسترده و متنوع باستانی پاریزی، تصویری دقیق و مستند از نقش اقتصادی و فرهنگی زنان در تاریخ‌نگاری وی ارائه دهد و نشان دهد چگونه نگاه او به زنان، مکمل و همسو با تاریخ‌نگاری جامع و واقع‌نگرانه است.

۲- نقش اقتصادی و فرهنگی زنان در تاریخ نگاری باستانی پاریزی

۲-۱- نقش اقتصادی زنان و اهمیت آن در جوامع تاریخی از دیدگاه باستانی پاریزی

از نگاه محمدابراهیم باستانی پاریزی، زنان نه تنها در جایگاه‌های فرهنگی و اجتماعی بلکه به‌صورت بارز در عرصه‌های اقتصادی نیز نقش‌آفرین بوده‌اند. وی با توجه به تجربه زیسته در مناطق کویری و روستایی ایران، به ویژه کرمان و کویر، معتقد است که شرایط جغرافیایی و اقتصادی سخت، زنان را واداشته تا بیش از مردان در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده مشارکت فعال داشته باشند (باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۲۵۰-۲۶۰). در این مناطق، زنان قانع، آینده‌نگر و مدیری دقیق بر منابع محدود بوده‌اند، به گونه‌ای که به اقتصاد خانواده سامان می‌دادند و در مواردی حتی به عنوان کدخدای ایل و منطقه عمل می‌کردند (باستانی پاریزی، ۱۳۹۰: ۲۴۴).

این تصویر تاریخی برخلاف برخی تصورات سنتی، زنان را به عنوان نیروی فعال اقتصادی نشان می‌دهد که نه تنها متکی به مردان نبوده‌اند، بلکه خود به عنوان محور تأمین معیشت و ثبات اقتصادی خانواده و جامعه مطرح

بوده‌اند. همچنین باستانی پاریزی از زنانی یاد می‌کند که با دسترنج و کوشش خود، شوهران و خانواده را در رسیدن به موفقیت‌های اقتصادی یاری رسانده‌اند (باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۲۵۰).

این اهمیت نقش اقتصادی زنان، نشان‌دهنده درک عمیق وی از ساختارهای خانوادگی و اجتماعی ایرانی است که در آن زنان علاوه بر نقش‌های فرهنگی و تربیتی، نیرویی اقتصادی نیز محسوب می‌شدند. چنین تصویری، از زنان تاریخی کویر، حاکمی از اراده، مقاومت و مدیریت هوشمندانه منابع است که پایه‌های اقتصادی و اجتماعی بسیاری از جوامع سنتی را تشکیل داده است.

در آثار محمدابراهیم باستانی پاریزی، نقش اقتصادی زنان در جامعه ایرانی در دوره‌های مختلف تاریخی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. او بارها به نمونه‌هایی اشاره کرده است که نشان می‌دهد زنان علاوه بر ایفای نقش در خانواده، به‌صورت فعال و مستقل در اقتصاد خانوار و حتی اجتماع مشارکت داشته‌اند (باستانی پاریزی، ۱۳۸۴: ۷۸).

یکی از نمونه‌های بارز این نقش اقتصادی، حضور زنان در مدیریت و اداره امور محلی و عشایری است. باستانی پاریزی به زنانی چون بی‌بی فاطمه، همسر حاج مهرباب خان لری، اشاره می‌کند که پس از فوت شوهرش، کدخدای ایل شد و توانست مدیریت ایل را با قدرتی فراتر از بسیاری از مردان به دست گیرد (باستانی پاریزی، ۱۳۹۰: ۲۴۴). این مثال به‌خوبی نشان می‌دهد که زنان در ساختارهای محلی و اقتصادی نیز نفوذ و قدرت داشته‌اند.

در حوزه کشاورزی و صنایع دستی نیز، زنان نقش مهمی ایفا می‌کردند. آنها در تولید فرش و قالی‌بافی، که یکی از مهم‌ترین صنایع بومی و اقتصادی ایران به‌ویژه در مناطق عشایری و روستایی بوده، فعال بوده‌اند. فرش‌های تولیدشده توسط زنان عشایر، نه تنها کالاهای اقتصادی ارزشمندی محسوب می‌شدند بلکه حامل فرهنگ و هویت قوم نیز بودند (باستانی پاریزی، ۱۳۷۶: ۱۸۲).

همچنین زنان در تأمین مالی خانواده و حفظ املاک و دارایی‌ها نقش مستقلی داشتند؛ نمونه‌ای شاخص در این زمینه، حدیقه دختر نعمان بن منذر است که علی‌رغم فشارهای سیاسی و دینی، با حفظ دین و فرهنگ خود، مستقل مالی بوده و از املاک و سرمایه خانوادگی خود بهره‌مند بوده است (باستانی پاریزی، ۱۳۶۵: ۳۶۵).

به طور کلی، باستانی پاریزی نشان می‌دهد که زنان ایرانی در طول تاریخ نه تنها نقش‌های سنتی مادری و همسری را بر عهده داشتند بلکه با مدیریت منابع، هدایت امور مالی و مشارکت در فعالیت‌های تولیدی و تجاری، نقش کلیدی در پویایی اقتصاد خانوار و جامعه ایفا کردند. این دیدگاه برخلاف برخی تصورات کلیشه‌ای است که زنان را صرفاً موجوداتی وابسته و منفعل در حوزه اقتصادی می‌دانند.

۲-۱-۱- نقش اقتصادی زنان در تولیدات صنایع دستی و کشاورزی

در تاریخ ایران، صنایع دستی به‌ویژه قالی‌بافی یکی از مهم‌ترین منابع درآمد خانواده‌ها و جوامع محلی بوده که نقش زنان در آن بی‌بدیل است. باستانی پاریزی بارها به نقش زنان عشایری در تولید قالی و گلیم اشاره کرده است؛ زنان نه تنها با مهارت در بافت و رنگرزی، محصولی اقتصادی می‌آفریدند، بلکه با طرح‌های پیچیده و بومی‌شان، روایتگر

تاریخ شفاهی و هویت فرهنگی قوم خود بودند. او در کتاب «نوح هزار طوفان» بیان می‌کند که «در هر تار و پود فرش زنان عشایری، یک فصل از تاریخ شفاهی ایران خوابیده است» (باستانی پاریزی، ۱۳۷۶: ۱۸۲). این هنر، هم به عنوان منبع درآمد اقتصادی و هم به عنوان وسیله‌ای برای حفظ فرهنگ و هویت بومی ایفای نقش می‌کرد. علاوه بر صنایع دستی، زنان در فعالیتهای کشاورزی هم سهم مهمی داشتند. نمونه برجسته‌ای از زنانی که مالک زمین بودند و به مدیریت مزارع خود می‌پرداختند، حدیقه دختر نعمان بن منذر است که علی‌رغم فشارهای اجتماعی و دینی، از مزرعه خود با کمک غلامان بهره‌برداری می‌کرد و استقلال مالی داشت (باستانی پاریزی، ۱۳۶۵: ۳۶۵). این نمونه بیانگر آن است که زنان در برخی دوره‌ها و مناطق، نقش مستقلى در اقتصاد کشاورزی و مدیریت منابع مالی ایفا می‌کردند که برخلاف تصور رایج محدود به فعالیتهای خانگی نیست.

۲-۱-۲- نقش زنان در مدیریت اقتصادی و سیاسی محلی

نمونه تاریخی دیگری که اهمیت نقش اقتصادی زنان را نشان می‌دهد، حکایت بی‌بی فاطمه، همسر حاج مهربان خان لری است که پس از مرگ شوهرش به کدخدای ایل انتخاب شد. باستانی پاریزی در کتاب «کجاوه ناهم لنگ» می‌نویسد که او توانست ایل را «بهتر از بسیاری از مردان اداره کند» (باستانی پاریزی، ۱۳۹۰: ۲۴۴). این نمونه تاریخی نشان می‌دهد که زنان می‌توانستند در مناصب رهبری محلی و مدیریت اقتصادی قوی ظاهر شوند و این نقش صرفاً محدود به حیطه خانه یا امور فرعی اقتصادی نبود.

همچنین، ارسلان خاتون معروف به خدیجه که به عقد خلیفه عباسی درآمد، نمونه‌ای دیگر از زنانی است که در مدیریت منابع مالی و کمک به همسر خویش در شرایط دشوار نقش فعالی داشتند. او حتی در دوره تبعید خلیفه، از طریق ارسال پول و لباس به همسرش، در ثبات سیاسی و اقتصادی خانواده نقش کلیدی ایفا کرد (باستانی پاریزی، ۱۳۸۴: ۷۸). این رفتارها نشانگر سطح بالای مسئولیت اقتصادی و وفاداری به خانواده است که زنان در تاریخ ایران داشته‌اند.

۲-۱-۳- مشارکت زنان در اقتصاد خانوار و بازار

زنان در اقتصاد خرد و بازارهای محلی، نقش مهمی در تامین درآمد خانوار داشتند. فروش محصولات کشاورزی، صنایع دستی، و تولیدات خانگی مانند پارچه، خوراکی‌ها و کالاهای دست‌ساز، از طریق زنان انجام می‌شد که موجب تامین مالی خانواده می‌گردید. این فعالیتهای، علاوه بر تامین مادی، باعث ایجاد شبکه‌های اجتماعی و فرهنگی گسترده‌تر میان خانوارها و اقوام مختلف می‌شد و به تحکیم پیوندهای اجتماعی کمک می‌کرد.

باستانی پاریزی به نقش زنان در بازارهای محلی اشاره دارد و بیان می‌کند که آنها «با لیخنه و مهربانی، خریداران را جذب می‌کردند و بازار را رونق می‌بخشیدند» (باستانی پاریزی، ۱۳۸۴: ۱۰۵). این نقش نه تنها اقتصادی بلکه فرهنگی بود؛ زیرا بازار به عنوان مکانی برای تبادل فرهنگ و دانش نیز شناخته می‌شد.

۲-۱-۴- نقش زنان در تأمین مالی و سیاست اقتصادی خانوار

بسیاری از زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانوار نقش کلیدی داشته‌اند. آنها نه تنها درآمدهای خانواده را مدیریت می‌کردند بلکه در حفظ و اداره اموال نیز مشارکت داشتند. این نقش مدیریتی، گاهی به حدی بود که زنان، خود به عنوان نهادهای اقتصادی مستقل شناخته می‌شدند.

باستانی پاریزی در «گذار زن از گذار تاریخ» به زنانی اشاره می‌کند که مدیریت مالی خانواده را برعهده داشتند و در حفظ و توسعه دارایی‌های خانوادگی کوشا بودند (باستانی پاریزی، ۱۳۸۴: ۱۰۷). این زنان با توانایی‌های مدیریتی خود، پایه‌های اقتصادی خانواده را استوار نگه می‌داشتند و به توسعه اقتصادی جوامع محلی کمک می‌کردند.

یکی از مهم‌ترین ابعاد نقش زنان در جوامع تاریخی، به ویژه در مناطق کویری و روستایی، مدیریت منابع محدود و تأمین معیشت خانواده است. باستانی پاریزی به این نکته بارها تأکید می‌کند که زنان کویری به دلیل جبر اقلیمی و اقتصادی، به‌عنوان کانون اقتصادی خانواده عمل کرده‌اند (باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۲۶۰). در شرایط سخت و محدودیت‌های فراوان، زنان این مناطق با دقت و آینده‌نگری، منابع خانه را به‌طور دقیق بودجه‌بندی می‌کردند و به‌عنوان ذخیره‌بان و ناظر بر مصرف، از اسراف جلوگیری می‌نمودند.

این ویژگی مدیریتی به زنان این امکان را می‌داد که به صورت فعال در اقتصاد خانواده مشارکت کنند و حتی در غیاب مردان یا در شرایط بحرانی، اداره امور مالی خانواده را برعهده داشته باشند. علاوه بر این، آنها در بسیاری موارد با دسترنج خود، از طریق تولید صنایع دستی، کشاورزی یا فروش محصولات محلی، سهمی ملموس در درآمد خانواده ایفا می‌کردند (باستانی پاریزی، ۱۳۸۴: ۱۰۵).

از سوی دیگر، زنان در برخی ایل‌ها و قبایل به‌عنوان کدخدا یا مدیران محلی انتخاب شده‌اند. نمونه بارز این وضعیت بی بی فاطمه، همسر حاج مهرباب خان لری، است که پس از مرگ همسرش، اداره ایل را برعهده گرفت و موفق‌تر از بسیاری مردان ایل را مدیریت کرد (باستانی پاریزی، ۱۳۹۰: ۲۴۴). این مثال نشان‌دهنده توانایی زنان در مدیریت پیچیده امور اقتصادی و اجتماعی حتی در ساختارهای مردسالار است.

به علاوه، زنان کویری با تلاش و کوشش بی‌وقفه خود، شرایط اقتصادی خانواده را ارتقا داده و باعث رشد و شکوفایی اقتصادی شده‌اند. باستانی پاریزی به زنان کویری اشاره می‌کند که در کنار مردان، با فعالیت‌های مستمر خود، مسیر موفقیت و پیشرفت اقتصادی را هموار کرده‌اند (باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۲۵۰).

بنابراین، نقش اقتصادی زنان نه تنها در اقتصاد خانواده بلکه در بسترهای وسیع‌تر اجتماعی و اقتصادی نیز قابل توجه است و نشان‌دهنده قدرت، پشتکار و مدیریت هوشمندانه آنان در شرایط گوناگون تاریخی است.

اقتصاد خانواده و جامعه یکی از ابعاد مهم نقش زنان است که باستانی پاریزی در آثار خود به طور مفصل به آن پرداخته است. زنان در جوامع سنتی و به ویژه در مناطق کویری ایران، نه تنها در مدیریت منابع مالی خانواده نقش داشته‌اند، بلکه به عنوان عامل اصلی تداوم و حفظ اقتصاد محلی نیز شناخته می‌شوند.

باستانی پاریزی تأکید می‌کند که شرایط سخت جغرافیایی و اقتصادی کویر، زنان را به موجوداتی قانع، آینده‌نگر و دقیق در مدیریت منابع تبدیل کرده است (باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۲۶۰). آنها با صرفه‌جویی، بودجه‌بندی و حفظ ذخایر خانگی، چرخه اقتصادی خانواده را مدیریت می‌کنند، امری که موجب بقای خانوار و حتی موفقیت آن در شرایط نامساعد می‌شود.

علاوه بر این، زنان در تولیدات دستی همچون بافندگی، گلیم‌بافی و صنایع دستی دیگر فعال بوده و درآمدی برای خانواده فراهم می‌کردند که از اهمیت بالایی برخوردار بود (باستانی پاریزی، ۱۳۷۶: ۱۹۸). این فعالیت‌ها، هم‌چنین نقش مهمی در حفظ فرهنگ و هنرهای سنتی ایفا کرده است.

نمونه برجسته‌ای از نقش زنان در اقتصاد، داستان بی‌بی فاطمه، همسر حاج مهرباب خان لری است که پس از مرگ شوهرش، به عنوان کدخدای ایل منصوب شده و ایل را به خوبی اداره کرده است. این نشان‌دهنده نقش زنان در مدیریت اقتصادی و اجتماعی جوامع محلی است، حتی در زمان‌هایی که حضور زنان در مدیریت رسمی محدود بود (باستانی پاریزی، ۱۳۹۰: ۲۴۴).

همچنین، نمونه‌های دیگری از فداکاری و تلاش زنان برای حفظ اقتصاد خانواده و حمایت از شوهران و فرزندان در متون باستانی پاریزی آمده است، مانند مادر دکتر علی‌اکبر سیاسی که با آموزش حرفه مامایی، درآمدی برای حمایت از پسر خود فراهم کرد (باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۱۷۸).

این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که نقش زنان در اقتصاد خانوادگی و اجتماعی، هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم، سهم بسزایی در حفظ ثبات و پویایی جامعه ایرانی داشته است.

۲-۱-۵- نمونه‌های مستند از نقش‌های اقتصادی زنان در تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی

یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های نقش اقتصادی زنان، بی‌بی فاطمه، همسر حاج مهرباب خان لری است که پس از مرگ شوهر، از سوی ایل به عنوان کدخدا انتخاب شد. وی نه تنها در اداره امور روزمره ایل، بلکه در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی کلان، چون تقسیم منابع، تنظیم کوچ‌ها و مدیریت بحران‌های مالی، نقش محوری داشت. این زن در اواخر دوره قاجار، یکی از نادرترین نمونه‌های مدیریت رسمی اقتصادی توسط یک زن بود، آن‌هم در ساختار سنتی مردسالار ایلانی (باستانی پاریزی، ۱۳۹۰: ۲۴۴).

در روایت عقد خدیجه خاتون با خلیفه عباسی، مهریه او صد هزار دینار ذکر شده است؛ این رقم در آن زمان معادل دارایی چند روستای متوسط بود. نه تنها دریافت این مبلغ، بلکه مدیریت آن توسط زنان اشرافی، آنان را به کنشگران اقتصادی قدرتمند در جامعه بدل می‌کرد. خدیجه خاتون بعدها بخشی از این دارایی را به حمایت از شوهر اسیرش اختصاص داد (باستانی پاریزی، ۱۳۸۴: ۷۸). در تحلیل باستانی پاریزی، این مهریه‌ها نه صرفاً جهیزیه‌ای سنتی، بلکه ابزار قدرت اقتصادی زنان در خانواده و حکومت بوده است.

حدیقه، دختر پادشاه حیره، در جریان فتوحات اسلامی، دین و ساختار اقتصادی پدرش را رها نکرد و حاضر نشد با یک مرد مسلمان ازدواج کند، زیرا از درآمد مزرعه‌ی خود و کار دو غلام، امرار معاش می‌کرد. او به روشنی اعلام کرد که نه نیاز مالی دارد و نه وابسته به حمایت کسی است: «از راه زمین خود و کار دو غلام زندگی می‌گذرانم» (باستانی پاریزی، ۱۳۸۸: ۳۶۵). این نمونه بیانگر مالکیت زنان بر ابزار تولید در دوره‌های تاریخی است.

در برخی از روایت‌های باستانی پاریزی، زنان روستایی در دوران جنگ‌ها، نقش مهمی در پشتیبانی مالی و تدارکاتی داشتند. آن‌ها با دوختن لباس، تهیه غذا، کمک به سربازان زخمی و حتی فروش جواهرات خود برای تأمین هزینه سپاه، اقتصاد جنگ را غیرمستقیم مدیریت می‌کردند. این کنش‌ها معمولاً از نگاه تاریخ‌نگاری رسمی دور مانده، اما باستانی پاریزی با زبان مردمی‌اش آن‌ها را ثبت کرده است (باستانی پاریزی، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

ملکه نور جهان نه تنها از ثروت شخصی خود برای ساخت آرامگاه همسرش استفاده کرد، بلکه با به‌کارگیری معماران زبده، بخشی از ثروت سلطنتی را در پروژه‌ای فرهنگی-اقتصادی خرج کرد که امروزه نیز ارزش گردشگری و هنری دارد (باستانی پاریزی، ۱۳۸۱: ۳۴۲). این کنش، بهره‌گیری از ثروت در قالب «سرمایه‌گذاری بلندمدت تاریخی» به‌شمار می‌آید.

در روایت‌هایی از ایلات، هنگامی که مردان به جنگ یا سفر می‌رفتند، زنان نه تنها مدیریت خانه، بلکه باغ، گله، زمین و کارگر را بر عهده می‌گرفتند. باستانی پاریزی از زنانی در مناطق کوهستانی یاد می‌کند که در نبود شوهر، دقیق‌ترین برنامه‌ریزی مالی و تولیدی را انجام می‌دادند و حتی در زمان بازگشت مردان، تراز اقتصادی خانه بهتر از قبل می‌شد (باستانی پاریزی، ۱۳۷۰: ۹۳).

۲-۲- نقش زنان در حفظ و انتقال فرهنگ و هویت اجتماعی از دیدگاه باستانی پاریزی

از دیگر وجوه برجسته نقش زنان در تاریخ ایران، تأثیر آنها در حفظ، انتقال و بازتولید فرهنگ و هویت اجتماعی است. باستانی پاریزی به‌طور مکرر اشاره دارد که زنان نه تنها در نقش مادری بلکه به عنوان مروجان اصلی فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی ایفای نقش کرده‌اند (باستانی پاریزی، ۱۳۸۴: ۱۰۵).

زنان، با ایفای نقش در تربیت فرزندان، انتقال زبان، آداب و رسوم، لباس محلی و سنت‌های قومی، نقش بی‌بدیلی در تداوم هویت فرهنگی اقوام داشته‌اند. در بسیاری موارد، لباس‌های محلی زنان که در بافت، دوخت و استفاده از رنگ‌ها و نقش‌ها تجلی یافته، حامل پیام‌های هویتی و فرهنگی خاصی بوده است که به واسطه نسل‌ها منتقل شده است (باستانی پاریزی، ۱۳۷۶: ۱۸۲).

همچنین، زنان به‌عنوان حافظان سنت‌های شفاهی، داستان‌ها، اسطوره‌ها و شعرهای محلی در کنار مردان، پایه‌گذاران تاریخ‌نگاری مردمی و محلی هستند. آنها با روایت این داستان‌ها و انتقال آنها به نسل‌های بعدی، نقش مستقیم و غیرمستقیمی در تاریخ‌نگاری و حفظ میراث فرهنگی داشته‌اند (باستانی پاریزی، ۱۳۷۱: ۸۸).

نقش زنان در مراسم دینی و آیینی نیز یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حفظ فرهنگ است. باستانی پاریزی نمونه‌هایی از زنان شاهزاده که در حفظ دین و آیین‌های اجدادی خود مقاومت کرده و به دنبال حفظ هویت دینی و فرهنگی خود بوده‌اند را ذکر می‌کند، مانند حدیقه دختر نعمان بن منذر که علی‌رغم فشارهای سیاسی و دینی، به دین خود وفادار ماند و استقلال مالی و فرهنگی خود را حفظ کرد (باستانی پاریزی، ۱۳۶۵: ۳۶۵).

بنابراین، نقش فرهنگی زنان صرفاً محدود به فضای خانوادگی نیست، بلکه بخشی از ساختار اجتماعی-فرهنگی است که به تداوم و پویایی فرهنگ ایرانی-اسلامی در گذر زمان کمک کرده است. زنان در این فرآیند هم حافظ و هم مروج فرهنگ، هویت و تاریخ بوده‌اند که کمتر به آن پرداخته شده است.

باستانی پاریزی در آثار گوناگونش، زنان را کنشگران خاموش ولی مؤثر صحنه تاریخ می‌داند. او معتقد است که بسیاری از تحولات فرهنگی از دل خانواده‌ها آغاز می‌شود و محور آن، زنانی هستند که با تحمل سختی‌های معیشتی، مهاجرت، جنگ یا بی‌سرپرستی، نقش ستون فقرات جامعه فرهنگی را ایفا کرده‌اند (باستانی پاریزی، ۱۳۷۹: ۲۲۳). این زنان با آگاهی یا حتی به‌طور ناخودآگاه، نوعی مقاومت فرهنگی را در برابر فرسایش هویت ایفا کرده‌اند.

یکی از نمونه‌های بارز آن، مادرزگ‌هایی هستند که با قصه‌گویی شبانه و روایت داستان‌های پهلوانی و آیینی، نه تنها فرزندان را سرگرم می‌کردند، بلکه با زبانی غیررسمی و غیرمکتوب، نسخه‌ای از تاریخ فرهنگی جامعه را به نسل بعد منتقل می‌نمودند. این شکل از تاریخ‌نگاری شفاهی، گرچه در زمره تاریخ رسمی قرار نمی‌گیرد، اما باستانی پاریزی آن را بخشی از تاریخ مردم‌نگارانه می‌داند که در فهم ذهنیت جمعی و ساختار فرهنگی دوران‌ها حیاتی است (باستانی پاریزی، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

وی در کتاب *آسیای هفت سنگ*، با اشاره به مراسم زنانه‌ای همچون روضه‌خوانی‌ها، آیین‌های محلی سوگ، عروسی‌ها و سفره‌ندری‌ها، بیان می‌کند که زنان از این فضاها برای زنده نگاه داشتن باورها، اخلاق و حکمت بومی بهره می‌برده‌اند (باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۲۳۹). به تعبیر او، «روضه‌خوانی در یک خانه‌ی ساده‌ی زنانه، گاهی از صد کتاب تاریخ تأثیرگذارتر است، چرا که در آن، اشک و روایت، هویت را پیوند می‌زنند».

این رویکرد فرهنگی از طریق شبکه‌های زنان در محلات کوچک یا روستاها، همچون تارهای پنهانی فرهنگ، جامعه را به هم پیوسته نگه می‌داشت. با آنکه بسیاری از این زنان هرگز تحصیلات رسمی نداشتند، ولی دانش فرهنگی، حکمت عامیانه و اخلاق جمعی را از طریق تربیت نسل‌ها، حفظ کرده‌اند.

۲-۲-۱- زنان، حافظان زبان، ادبیات و نام‌های قومی

از جمله وجوه مهم نقش فرهنگی زنان، حفظ و انتقال زبان مادری و واژگان قومی است. باستانی پاریزی بارها اشاره کرده که مادران و مادرزگ‌ها نقش مهمی در انتقال لهجه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات بومی و شعرهای عامیانه دارند. او در کتاب *نای هفت بند* می‌نویسد:

«کودک، زبان را از لالایی مادر و قصه‌های شبانه مادر بزرگ می‌آموزد. این زنان بی‌سواد، گاه فرهنگ زبانی یک قوم را بهتر از نویسندگان بزرگ حفظ می‌کنند.» (باستانی پاریزی، ۱۳۸۱: ۹۲).

در مناطق عشایری و روستایی ایران، زنان با حفظ نام‌های سنتی غذا، لباس، ابزار زندگی و اصطلاحات مربوط به باورهای بومی، نوعی تاریخ زنده‌ی قومی را منتقل کرده‌اند. مثلاً در جنوب کرمان، واژگان مربوط به آیین‌های کشاورزی، زراعت، زایش و مرگ، عمدتاً توسط زنان در گویش محلی محفوظ مانده‌اند.

۲-۲-۲- زنان و سنت‌های شفاهی در ساخت حافظه تاریخی

باستانی پاریزی سنت شفاهی را «تاریخ بی‌کتاب» می‌نامد؛ تاریخی که زن روستایی و شهری، با صدای خود، آن را از نسلی به نسل دیگر رسانده است. او در *کوچه هفت پیچ* می‌نویسد:

«تاریخ‌نویسان رسمی گاه چیزی را نمی‌نویسند که پیرزنی در فلان آبادی، آن را با آب و تاب کامل و جزئیات فراوان روایت می‌کند» (باستانی پاریزی، ۱۳۷۱: ۸۸).

مثلاً روایت‌های زنانه درباره دل‌آوری‌های قهرمانان محلی یا بی‌عدالتی‌های حکام، اغلب در دل ترانه‌ها، قصه‌ها و سوگواره‌ها ثبت شده‌اند. این منابع شفاهی، که توسط زنان نگهداری شده‌اند، منبعی غنی برای فهم روح اجتماعی تاریخ ایران به شمار می‌روند.

۲-۲-۳- مشارکت زنان در آیین‌های دینی و معنوی

یکی دیگر از بسترهای فرهنگی نقش‌آفرینی زنان، آیین‌های مذهبی و دینی است. زنان در ایران در برگزاری مراسم‌هایی چون شب‌های قدر، روضه‌خوانی، تعزیه‌های خانگی، نذر و ختم قرآن، بیشترین سهم را داشته‌اند. باستانی پاریزی در *یاد و یادبود* این نکته را به خوبی نشان می‌دهد:

«زنان روستایی بدون آنکه کسی آن‌ها را آموزش دهد، طرز چیدمان سفره‌ی حضرت ابوالفضل، نظم روضه‌خوانی دهه محرم و ترتیب نذری‌ها را از مادران خود می‌آموزند و به دختران خود منتقل می‌کنند. این انتقال، یک چرخه‌ی هویتی است.» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۵: ۱۶۳).

۲-۲-۴- زن، مفسر غیررسمی تاریخ محلی

در بسیاری از یادداشت‌های باستانی، به ویژه در *از پاریز تا پاریس* و *در شهر نی‌سواران*، او با نگاهی مردم‌شناسانه، زنان را کسانی می‌داند که حافظه تاریخی یک منطقه را در دل دارند. زنانی که سالیان دراز کنار صندوقچه‌ها، سینی‌ها و طاقچه‌ها نشسته‌اند و قصه یک ایل، یک جنگ یا یک ظلم تاریخی را روایت کرده‌اند. او می‌نویسد:

«تاریخ کرمان را باید از زنانی پرسید که در شب‌های تابستان روی پشت‌بام، قصه‌ی نادر و افغان را می‌گویند، نه فقط از آرشیو اسناد.» (باستانی پاریزی، ۱۳۸۱: ۲۱۸).

۲-۲-۵- مشارکت فرهنگی زنان در حوزه هنرهای بومی

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های نقش فرهنگی زنان، مشارکت گسترده و خلاقانه‌ی آنان در عرصه‌ی هنرهای بومی و سنتی است. زنان در بسیاری از مناطق ایران، به‌ویژه در غرب کشور، هنر را نه فقط به عنوان یک مهارت، بلکه به مثابه ابزاری برای بازنمایی هویت قومی، باورهای اجتماعی و حتی اعتراض خاموش علیه شرایط سیاسی و اقتصادی جامعه به کار گرفته‌اند. دکتر باستانی پاریزی در آثار خود به این وجه کمتر دیده شده اما عمیق از فعالیت‌های زنان توجه ویژه‌ای دارد.

نقش زنان در بافت قالی، گلیم، جاجیم، پته‌دوزی و سوزن‌دوزی، نه تنها تجلی گاه ذوق و مهارت فردی آنان است، بلکه رسانه‌ای فرهنگی برای انتقال نمادها و مفاهیم تاریخی، دینی و اسطوره‌ای نیز به شمار می‌رود. در کجاوه ناهم‌لنگ، از زنی لر یاد می‌شود که در طرح‌های قالی‌اش «دردها و امیدهای قوم خود» را بافته بود. باستانی پاریزی این طرح‌ها را همچون فصلی از «تاریخ شفاهی زنان» توصیف می‌کند که در دل تار و پود فرش‌ها زنده مانده‌اند (باستانی پاریزی، ۱۳۹۰: ۲۴۴).

در مناطق کرمان، خراسان جنوبی و سیستان، زنان در سوزن‌دوزی‌ها و لباس‌های محلی، از نمادهایی استفاده می‌کنند که حامل پیام‌هایی از اعتقادات بومی، زیباشناسی قومی و حتی روایت‌های تاریخی‌اند. باستانی در کتاب زیر این هفت آسمان اشاره می‌کند که: «زنان بلوچ با چند رنگ نخ، داستان‌هایی را نقل می‌کنند که تاریخ‌نویسان در چند جلد کتاب نمی‌توانند آن را به این ظرافت بیان کنند» (باستانی پاریزی، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

همچنین آوازه‌ها، لالایی‌ها و ترانه‌های محلی که زنان در محیط خانه یا هنگام کارهای روزمره می‌خواندند، خود نوعی «اسناد شفاهی» به شمار می‌روند که فرهنگ قومی و احساسات اجتماعی را حفظ می‌کردند. لالایی‌های زنان لر، کرد، بختیاری و قشقایی، معمولاً شامل اشاراتی به آرمان‌ها، مفاهیم قهرمانی، مرگ، دلدادگی، وطن‌دوستی و مقاومت در برابر ظلم بوده‌اند. باستانی پاریزی در نای هفت‌بند (۱۳۸۱: ۱۱۲) به تأثیر این نغمه‌ها در شکل‌گیری حافظه‌ی تاریخی جمعی در روستاها اشاره دارد.

از دیگر هنرهایی که زنان در آن‌ها نقش کلیدی داشته‌اند، می‌توان به هنر ساخت عروسک‌های محلی و نقش‌آفرینی در آیین‌های نمایشی بومی اشاره کرد. در برخی مناطق، زنان با استفاده از پارچه‌ها و مواد دورریختنی، عروسک‌هایی می‌ساختند که شکل و پوشش‌شان بازتابی از پوشاک، آرایش، مشاغل و باورهای فرهنگی هر منطقه بود. این عروسک‌ها نه فقط وسیله‌ی بازی، بلکه ابزاری برای انتقال نمادهای فرهنگی و تربیتی بودند. باستانی پاریزی در شمعی در طوفان به نقل از خاطره‌ای از یک زن کرمانی اشاره می‌کند که برای فرزندانش با پارچه‌های کهنه، «قهرمانان تاریخی» می‌ساخته و به آن‌ها قصه‌های مربوطه را نقل می‌کرده است (باستانی پاریزی، ۱۳۷۸: ۸۵).

به‌طور کلی، مشارکت فرهنگی زنان در عرصه‌ی هنرهای بومی، نشان‌دهنده‌ی آن است که تاریخ فرهنگی ایران، نه فقط در کتاب‌ها، بلکه در دوک نخ‌ریسی، تار قالی، سوزن‌دوزی‌های ساده و نغمه‌های شبانه‌ی زنانه نهفته است. این

هنرها در کنار کارکردهای اقتصادی، در حفظ و تداوم هویت قومی و دینی جوامع مختلف ایران، به ویژه در دوران استیلای بیگانگان و گذارهای اجتماعی، نقشی اساسی داشته‌اند.

۲-۲-۶- نقش زنان در توسعه فرهنگی، حفظ آیین‌ها و آداب اجتماعی

زنان در ساختار فرهنگی ایران، همواره نقش محوری داشته‌اند؛ نه فقط به عنوان ناقلان ساده‌ی سنت‌ها، بلکه به عنوان خالقان و حافظان بنیادهای فکری و آیینی جامعه. دکتر باستانی پاریزی در آثار خود، با نگاهی ژرف‌نگر و همراه با احترام به جایگاه زن، بارها بر این نکته تأکید می‌کند که بخش قابل توجهی از میراث فرهنگی ایران، مرهون ایثار، حافظه و شعور تاریخی زنان بوده است.

در اثر *گذار زن از گذار تاریخ*، نویسنده زن را «رثوف، رقیق‌القلب و زیبا» می‌نامد که به مجروح غذا می‌رساند، به دردمند دوا می‌دهد و اسیری را با لبخندی شاد می‌سازد (باستانی پاریزی، ۱۳۸۴: ۱۰۵). این تصویر، تنها یک توصیف عاطفی نیست؛ بلکه بیانگر ماهیت سازنده‌ی زن در ساخت فرهنگ شفاهی و سنتی ایران است. حضور زنان در آیین‌های عزاداری، جشن‌های محلی، نقالی‌های خانگی، آوازهای لالایی و نقل داستان‌های اسطوره‌ای، مصداق‌هایی از همین فعالیت فرهنگی‌اند.

از سوی دیگر، نقش تربیتی زنان نیز در انتقال فرهنگ ملموس و ناملموس، اهمیت دوچندانی دارد. باستانی پاریزی در *نوح هزار طوفان* (۱۳۷۶: ۱۸۲) اشاره می‌کند که زنان با تربیت نسل آینده، عملاً مسئول انتقال ارزش‌های اجتماعی و ملی به فرزندان خود هستند. در همین راستا، استفاده از پوشاک محلی و حفظ لباس‌های قومی توسط زنان، از جمله مؤلفه‌هایی است که باستانی آن را حامل پیام‌های فرهنگی و نمادهای هویتی می‌داند. به گفته او، «زنانی که لباس سنتی خود را با دقت حفظ می‌کنند، خود را در برابر زمانه بیمه کرده‌اند» (همان).

همچنین در کتاب *کوچه هفت‌پیچ*، او نقش زنان را در روایت داستان‌ها، اسطوره‌ها و خاطرات خانوادگی در سطح محلی، نوعی «تاریخ‌نگاری زنانه» می‌نامد و می‌نویسد: «اگر امروز ما از تاریخ شفاهی کرمان چیزی می‌دانیم، نیمی از آن را مدیون حافظه‌ی زنانی هستیم که پشت دیوارهای گلی، شب‌ها برای کودکانشان قصه می‌گفتند» (باستانی پاریزی، ۱۳۷۱: ۸۸).

او در *کجاوه ناهم‌نگ* نیز به مورد خاصی اشاره دارد که زنانی از ایل لر در قالب طرح‌های قالی، فرهنگ قومی خود را بافته‌اند؛ این طرح‌ها نه تنها جنبه‌ی هنری دارند، بلکه بازتابی از درک زنان از جهان پیرامون و تاریخ سرزمین‌شان هستند (باستانی پاریزی، ۱۳۹۰: ۲۴۴).

با این وصف، زنان در تحلیل باستانی پاریزی، نه فقط همراه مردان، بلکه به‌طور مستقل نیز نقش‌آفرینان بزرگ تاریخ فرهنگی ایران به شمار می‌آیند. به ویژه در جوامع روستایی و عشایری، این زنان هستند که همچنان حافظ زبان بومی، ترانه‌ها، افسانه‌ها و لباس‌های محلی‌اند؛ زنانی که در حافظه‌ی قومی، به مثابه کتابی زنده عمل می‌کنند و با روایت خود، «هویت ایرانی» را در برابر هجوم یک‌دست‌سازی فرهنگی محافظت کرده‌اند.

۲-۲-۷- نقش زنان در بازنمایی باورهای فرهنگی و دینی در تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی

دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی با نگاهی ظریف و انسان‌شناسانه، زنان را نه تنها به عنوان «فروستان تاریخ» بلکه در جایگاه «ناقلان و حافظان باورهای فرهنگی و دینی» تحلیل می‌کند. از نگاه او، زنان با ایفای نقش در آیین‌ها، مناسک، اعتقادات دینی، و اعمال عبادی، بخشی از حافظه‌ی معنوی جامعه را در خود نگه داشته و آن را به نسل‌های آینده منتقل کرده‌اند. این نگرش در آثار مختلف وی، به‌ویژه در کتاب‌هایی همچون *گذار زن از گذار تاریخ*، یاد و یادبود، و *نای هفت‌بند* به‌روشنی مشهود است.

باستانی پاریزی به زنانی اشاره می‌کند که در دوران باستان و قرون میانه، به‌رغم فشارهای مذهبی و اجتماعی، باورها و آیین‌های خانوادگی و قومی خود را حفظ کرده‌اند. نمونه برجسته‌اش، حدیقه دختر نعمان بن منذر، شاهزاده‌ای از خاندان حیره است که در مواجهه با دعوت خالد بن ولید به اسلام، با احترام اما قاطعانه از پذیرش آن خودداری کرد و زندگی‌اش را به انزوای دینی اما با حفظ عزت و استقلال گذراند (باستانی پاریزی، ۱۳۶۵: ۳۶۵). این روایت، تصویری از آزادگی زنانه و پیوند عمیق میان دین و هویت زنانه ارائه می‌دهد.

از سوی دیگر، نقش زنان در آیین‌های عاشورایی، نذری، سوگواری‌ها، و جشن‌های مذهبی محلی نیز از دید باستانی پاریزی، شکل‌گیری نوعی «تاریخ دینی مردمی» را ممکن ساخته است. زنان با بازگویی روضه‌ها، اجرای نذرهای، و آموزش ادعیه و مناسک به کودکان، همان اندازه در شکل‌گیری حافظه مذهبی نسل‌ها سهیم‌اند که کاتبان رسمی تاریخ در ثبت وقایع. او در *آسیای هفت سنگ* بیان می‌کند که: «اگر عزاداری‌ها و نذرهای زنانه نبود، خاطره عاشورا در دل کویر اینچنین زنده نمی‌ماند» (باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۲۹۳).

همچنین در بسیاری از سنت‌های ایرانی، چون جشن‌های نوروزی، آیین چهارشنبه‌سوری، شب‌چله، جشن سده و مهرگان، زنان نقش اول را در آماده‌سازی، آموزش و انتقال مناسک ایفا کرده‌اند. این حضور زنانه، به‌ویژه در مناطق روستایی و عشایری، سبب تداوم باورهای ایرانی پیش از اسلام در بستر دین و فرهنگ اسلامی شده است. به تعبیر باستانی، «زن، روح جشن‌هاست؛ و اگر او نباشد، عید فقط یک تقویم است نه خاطره‌ای جمعی».

بازتاب نقش زنان در باورهای دینی حتی در افسانه‌ها و داستان‌های محلی نیز مشهود است. باستانی بارها از زنانی نام می‌برد که در لباس خواب‌نماها، راویان خواب‌های مقدس یا دارندگان «دست شفا» بودند. این زنان در حافظه مردمی، مقدس، محترم و دارای قدرت‌های فرا انسانی محسوب می‌شدند که نشانگر نوعی روحانیت زنانه غیررسمی در تاریخ محلی ایران است (باستانی پاریزی، ۱۳۷۸: ۸۸).

در مجموع، باستانی پاریزی با روایت‌های گاه لطیف، گاه تلخ اما همواره دقیق، نشان می‌دهد که زنان با حفظ و انتقال باورهای فرهنگی و دینی، هم خود را در بطن جامعه تاریخی ایران تثبیت کرده‌اند و هم هویت فرهنگی را در دورانی که ابزارهای رسمی ثبت و ضبط آن محدود بوده، زنده نگاه داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

نقش زنان در تاریخ ایران، بویژه در آثار باستانی پاریزی، بسیار گسترده و چندوجهی است و فراتر از تصوره‌های سنتی می‌باشد. زنان نه تنها در ابعاد خانوادگی، بلکه در عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی، تاثیرگذاری عمیقی داشته‌اند. در بخش اقتصادی، زنان به‌عنوان فعالان حوزه کشاورزی، صنایع دستی، مدیریت مالی خانواده و حتی کدخدگری نقش‌آفرینی کرده‌اند. این حضور فعال اقتصادی آنان، نشانگر توانمندی‌های مدیریت و ابتکار عمل زنان در شرایط گوناگون تاریخی بوده است که اغلب از دیدگاه تاریخی مغفول مانده است.

از سوی دیگر، زنان در حوزه فرهنگی، نگهبانان اصلی زبان، آداب و رسوم، لباس محلی و هنرهای سنتی بوده‌اند. نقش آنان در حفظ و انتقال هویت قومی و ملی به واسطه تربیت فرزندان، روایت داستان‌ها، آیین‌های دینی و خلق آثار هنری قابل توجه است. مشارکت زنان در خلق قالی‌های عشایری، حفظ موسیقی محلی، و نگهداری مناسک فرهنگی، بخشی از گنجینه‌های فرهنگی ایران را تشکیل می‌دهد که بدون حضور زنان، این میراث‌ها به سختی قابل حفظ بودند.

این دو حوزه اقتصادی و فرهنگی، در کنار یکدیگر، نمایانگر جایگاه بی‌بدیل زنان در پویایی و تداوم جوامع ایرانی است. گرچه زنان در تاریخ، گاهی با مشکلات و محدودیت‌های اجتماعی مواجه بوده‌اند، اما همواره با استقامت، خلاقیت و دلسوزی، نقش خود را به بهترین شکل ایفا کرده‌اند. همچنین، ابعاد مختلف شخصیتی زنان، شامل ویژگی‌های مثبت همچون شجاعت، وفاداری و مهربانی، و نیز برخی صفات منفی مانند لجاجت و کینه‌ورزی، به تصویر جامع‌تر و واقع‌بینانه‌تری از جایگاه آنان در تاریخ منجر می‌شود.

بنابراین، بازشناسی و برجسته‌سازی نقش زنان در تاریخ ایران نه تنها به غنای مطالعات تاریخی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند الگوهای جدیدی برای فهم هویت فرهنگی و اجتماعی امروز فراهم آورد. توجه به نقش اقتصادی و فرهنگی زنان، زمینه‌ساز تغییر نگاه‌ها و گشودن افق‌های نوین در مطالعات تاریخ‌نگاری و فرهنگ‌شناسی خواهد بود و جایگاه زنان را به عنوان رکن‌های اصلی تحولات تاریخی و اجتماعی تثبیت می‌نماید.

منابع

- آزاد، ابوالکلام. (۱۳۸۰). کوروش کبیر. ترجمه محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: انتشارات علم.
- انصاف پور، غلامرضا. (۱۳۴۶). قدرت و مقام زن در ادوار تاریخ. تهران: انتشارات شرکت نسبی کانون کتاب.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۷۸). شمعی در طوفان، تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۷۹). درخت جواهر، تهران: نشر بهنام.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۸۱). هزارستان، تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۸۲). حصیرستان، تهران: نشر علم.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۶۵). یاد و یادبود، تهران: انتشارات علمی.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۷۱). کوچه هفت پیچ، تهران: انتشارات نگاه.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۷۶). نوح هزار طوفان، تهران: نشر نامک.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۸۱). از پاریز تا پاریس، تهران: نشر علم.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۸۴). گذار زن از گذار تاریخ، تهران: نشر علم.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۸۵). جامع المقدمات، تهران: نشر علم.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۸۸). مار در بتکده کهنه، تهران: نشر علم.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۷۰). حضورستان، تهران: انتشارات ارغوان.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۸۱). نای هفت بند، تهران: انتشارات علم.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۸۲). آسیای هفت سنگ، تهران: انتشارات علم.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۹۰). کجاوه ناهم لنگ، تهران: علم.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۹۳). حماسه کویر، تهران: علم.
- باستانی راد، حسن. (۱۳۸۳). «مکتب تاریخ نگاری کرمان»، مجله پژوهشگران فرهنگ، سال سوم، شماره ۹-۱۰.
- بهروزی، محمد جواد. (۱۳۸۱). سرگذشت دوازده تن از زنان موثر در تاریخ ایران، تهران: واژه آرا.
- توانا، مراد علی. (۱۳۸۰). زن در تاریخ معاصر ایران، جلد اول، تهران: برگ زیتون.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۷۰). زن به ظن تاریخ، بی جا، انتشارات شهر آب.
- خیراندیش، عبدالرسول. (۱۳۸۲). «نقد و نظر درباره تاریخ نگاری باستانی پاریزی». مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. دی ماه. ص ۳۷-۴۳.
- عزیزی، حسین. (۱۳۹۴). جایگاه علمی زنان در تاریخ نگاری مسلمین. پژوهش های تاریخی دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، شماره ۲۵. ص ۸۵-۱۰۲.
- علوی، هدایت الله. (۱۳۷۷). زن در ایران باستان، تهران: انتشارات هیرمند.

Researches on the History of Iran during the Islamic Period



Scientific Quarterly Vol 2 Issue 1(3) Spring 2025

The Economic and Cultural Role of Iranian Women in the Historiography of Bastani Parizi

Maryam Aboutalebi parizi^{1*}, Mohammad Khodaverdi tajabadi², Ebrahim Khorasani parizi³

Received: 15 April 2025

Accepted: 23 July 2025

Abstract

Women have always played diverse and influential roles throughout Iranian history, a reality reflected in the works of Mohammad Ebrahim Bastani Parizi, one of Iran's most prominent contemporary historians. This article analyzes Bastani Parizi's perspectives on the economic and cultural roles of women in his historiography. While highlighting women's positive traits—such as sacrifice, courage, frugality, honor, and managerial ability—he also acknowledges certain negative aspects like obstinacy and vindictiveness. The study reveals that Bastani Parizi viewed women not merely as subjects of historiography but as active agents in shaping the economic and cultural dynamics of Iranian society. Through their sacrifice and precise management, women provided the foundation for familial and societal stability and progress. This viewpoint complements the traditionally male-centered historical narrative and contributes to a deeper understanding of women's positions in Iran's historical society. Drawing on Bastani Parizi's extensive writings and numerous historical sources, the study elucidates women's significant role in reconstructing cultural and social identity. It emphasizes the necessity of recognizing women's contributions in historical research while introducing Bastani Parizi's distinctive views.

Keywords: women, family economy, culture, historiography, Bastani Parizi

1- PhD student in History and Civilization of Islamic Nations, Baft Branch, Islamic Azad University. Baft. Iran. (Corresponding author): mparize@gmail.com

2- Assistant Professor, Department of Political Science, History and Civilization of Islamic Nations, Sirjan Branch, Islamic Azad University, Sirjan, Iran. Email: khodaverdi1358@gmail.com

3- Assistant Professor, Department of Humanities, Baft Branch, Islamic Azad University, Baft, Iran. Email: e.khorasaniparizi@iau.ac.ir